

مخاطرات شغلی در روایت انتقادی پاکبانان شهر یزد

علی روحانی^{۱*}، شکیلا مرادی^۲، هانیه خانی سانجی^۳، بهار امینی لاری^۴، صبا صمدیان سربیشه^۵

- ۱- علی روحانی*، گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد، یزد، ایران. رایانامه: aliruhani@yazd.ac.ir
 ۲- شکیلا مرادی، گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد، یزد، ایران. رایانامه: shakila929moradi@gmail.com
 ۳- هانیه خانی سانجی، گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد، یزد، ایران. رایانامه: khani.haniye1376@gmail.com
 ۴- بهار امینی لاری، گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد، یزد، ایران. رایانامه: bahar.a.org@gmail.com
 ۵- صبا صمدیان سربیشه، گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد، یزد، ایران. رایانامه: sabasamadian.h@gmail.com

چکیده	اطلاعات مقاله
<p>هدف پژوهش: یکی از نیازهای بنیادین و ضروری، نیاز به پاکیزگی و تمیزی است. نیاز به پاکیزگی و نظافت، هم در سطح فردی و هم در بستر اجتماعی دارای اهمیت و اولویت است. به طوری که بنظر می‌رسد حفظ پاکیزگی، یکی از مسائل مورد توجه در اکثر جوامع و نوعی ارزش مطلوب در بسیاری از فرهنگ‌ها محسوب می‌شود. به منظور حفظ نظافت و پاکیزگی در بسترها و محیط‌های زندگی اجتماعی، امروزه پاکبانان مسئولیت حفظ پاکیزگی محیط شهری را عهده‌دار هستند. علی‌رغم اهمیت این مسئولیت، پاکبانان شهری با مسائل و چالش‌های گوناگونی در مسیر شغلی خود مواجه می‌شوند. به همین منظور، مطالعه حاضر درصدد آن است که مخاطرات شغلی آنان را از دریچه‌ای انتقادی بررسی کند و مسائل و پیچیدگی‌های زندگی آنها را که ناشی از جایگاه و منزلت پایین در بین سایر مشاغل است، به تصویر بکشد.</p> <p>روش پژوهش: این مطالعه با استفاده از روش مردم‌نگاری انتقادی به شیوه کارسپیکن انجام شده است.</p> <p>یافته‌ها: پس از انجام مطالعات اولیه براساس رویکرد اتیک، بررسی‌های میدانی، مشاهدات مشارکتی و همراهی با آنان، بیست نفر از پاکبانان مناطق مختلف شهر یزد انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند (رویکرد امیک). سپس داده‌های جمع‌آوری شده کدگذاری شدند و مقوله‌های اصلی که شامل منزلت شغلی/اجتماعی، محرومیت اقتصادی و شرایط کاری، روابط کار و مخاطره‌پذیری شغلی و ... بود استخراج شدند.</p> <p>نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش نشان داد که مخاطره‌پذیری فزاینده شغلی نه تنها در محیط کار بلکه در زندگی شخصی پاکبانان نیز، اثرات قابل توجهی بر جای می‌گذارد که وضعیت زندگی پاکبانان را پروبلماتیک می‌کند. زندگی پاکبانان تحت تأثیر ناملایمات اقتصادی و چرخه نابرابر شغلی قرار می‌گیرد که سلامت عمومی آنها را تهدید کرده و بازتولید این نابرابری‌ها منجر به از دست دادن سرمایه اجتماعی می‌شود و بنابراین پاکبانان همواره به عنوان قشری در حاشیه باقی می‌مانند.</p>	<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>تاریخچه مقاله: دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۹ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۸ انتشار: ۱۴۰۴/۰۹/۱۷</p> <p>کلید واژه‌ها: مخاطره‌پذیری شغلی، پاکبانان، مردم نگاری انتقادی، یزد</p>

استناد: روحانی، ع. مرادی، ش. خانی‌سانجی، ه. امینی لاری، ب. صمدیان سربیشه، ص. (۱۴۰۴). مخاطرات شغلی در روایت انتقادی پاکبانان شهر یزد، *جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، ۱۴(۲)، ۱۰۵-۱۲۴.
 تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به نشریه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه تبریز می‌باشد.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY: 4 است.



[10.22034/jeds.2025.65673.1846](https://doi.org/10.22034/jeds.2025.65673.1846)

مقدمه

درواقع، نظافت و بهداشت شهری یکی از مهم‌ترین شاخص‌های کیفیت زندگی در جوامع شهری است و تأثیر زیادی بر سلامت عمومی، رضایت شهروندان و زیبایی محیط دارد (ابیسوری‌ا و همکاران، ۲۰۱۹). بر همین اساس، مسئولیت حفاظت از محیط شهری و مدیریت آن بر عهده نهادها و کارگران شهری است. شهرداری به عنوان یک نهاد عمومی و دولتی، مسئولیت اداره امور شهری و خدمات عمومی در سطح شهر را بر عهده دارد. این نهاد وظیفه دارد تا محیطی مناسب و پایدار برای زندگی شهروندان ایجاد کند. شهرداری و به طور مشخص، پاکبانان از طریق اقدامات پاکبانی مسئولیت حفظ نظافت و پاکیزگی فضاهای عمومی را بر عهده دارند در همه‌گیری کرونا، یکی از اصلی‌ترین اقشاری که با بیشترین ادراک ریسک^۲ مواجه بودند پاکبانان بودند. در روزهای اولین همه‌گیری کرونا، غالب اظهارات مبنی بر این بودند که ویروس از طریق تماس بیرونی نیز قابل انتقال است و به همین دلیل پاکبانان که مسئول جمع‌آوری زباله‌ها و تمیزسازی شهری بودند یکی از گروه‌های پرخطر در این زمینه معرفی شدند، زیرا آنان مجبور به پاکسازی زباله‌های بیمارستانی تا غیربیمارستانی شدند و درک ریسک آنان از کرونا بسیار بالاتر از میانگین جامعه بود. آنان قشری بودند که مجبور بودند با ضایعات مرتبط با کرونا در سطح برخورد کنند. همین امر منجر شد تا در اولین فرصت ممکن (بهار ۱۳۹۹) در رابطه با رنج‌های شغل پاکبانان مطالعه حاضر صورت‌بندی شود و جمع‌آوری داده‌ها در زمان اوج‌گیری اولیه آن در آبان و آذر ۱۳۹۹ انجام شود. در واقع مسئله پژوهش برای نویسندگان در این نقطه آغاز شد.

بی‌شک ضرورت وجود و حضور پیوسته پاکبانان و ارائه خدمات نظافت و پاکیزگی نه تنها در کلان‌شهرها بلکه در هر منطقه‌ای که جمعی از افراد در آن ساکن هستند احساس می‌شود و این امر نشان از اهمیت این شغل هم در ارتباط با جامعه و هم در ارتباط با سایر وظایف و خدماتی است که زیر نظر شهرداری ارائه می‌شود. با اینحال بنظر می‌رسد غفلت از جایگاه و نقشی که پاکبانان در ارائه خدمات نظافت شهری ایفا می‌کنند نوعی مسئله و دغدغه‌مندی را برای آنان ایجاد کرده است. درحالی که پاکبانان زیر نظر ارگانی دولتی به انجام وظیفه می‌پردازند اما نادیده انگاری عمدی و سهوی این ارگان‌ها در برطرف کردن ساده‌ترین مطالبات افراد در ارتباط با شغل، شان پاکبانان را به حاشیه رانده و علاوه بر اینکه دغدغه‌های شغلی و اجتماعی آنان پیگیری نمی‌شود، به نظر می‌رسد منجر به انزوا افراد در برخورد با جامعه می‌شود، چراکه ماندن در این شغل و دست و پنجه نرم کردن با حداقل‌ها، روزمرگی شغلی، اجتماعی و اقتصادی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این راستا، پاکبانان به عنوان ستون فقرات خدمات شهری، همواره در معرض چالش‌ها، مشکلات و مخاطراتی هستند که می‌تواند به کارایی و به تبع زندگی آنها آسیب بزند (سابده و زودپی، ۲۰۰۸). مخاطرات شغلی یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در حوزه مدیریت منابع انسانی و بهداشت حرفه‌ای در سراسر جهان مورد توجه قرار می‌گیرد. در این میان، گروه‌های شغلی خاص مانند پاکبانان که نقش حیاتی در حفظ بهداشت عمومی و سلامت شهری ایفا می‌کنند، با تهدیدات جدی و خاصی مواجه هستند. پاکبانان به عنوان نیروی اصلی در نظافت معابر، جمع‌آوری زباله‌ها و حفظ محیط زیست شهری، در شرایط سخت و دشواری کار می‌کنند که اغلب توجه کافی به مخاطرات شغلی آنان نمی‌شود. این گروه از کارکنان با مخاطرات فیزیکی، روانی و اجتماعی زیادی روبه‌رو هستند که سلامت جسمی و روانی آنها را به شدت تهدید می‌کند. به بیانی دیگر آنها برای ترسیم شهری پاک، با انواع آلودگی‌های محیطی و شهری دست و پنجه نرم می‌کنند که همین امر مشکلات جسمانی و بهداشتی بسیاری برای آنها ایجاد می‌کند (گبرمدن، ۲۰۲۰).

این گروه از کارکنان به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از سیستم شهری، در ایجاد محیطی پاک و سالم برای عموم شهروندان تلاش می‌کنند، با اینحال خطرات شغلی پاکبانان در بسیاری از شهرها به عنوان مسئله‌ای حائز اهمیت شناخته

1. Abey Suriya et al.
2. Risk Perception
3. Sabde & Zodpey
4. Gebremedhn

نمی‌شود و از توجه کافی برخوردار نیست. علاوه بر مسائل تهدید کننده جسمانی و فیزیکی، شغل پاکبانی غالباً با تبعیض‌های اجتماعی، کم ارزش‌سازی و حتی انزوای اجتماعی همراه است. جامعه به طور معمول به پاکبانان نگاهی سوگیرانه و منفی دارد به طوری که این امر با نزول جایگاه اجتماعی آنان و عدم برابری ارزشی همراه است. این امر سبب می‌شود که این گروه از افراد در جامعه، عمدتاً دارای عزت نفس پایین و احساس سرخوردگی باشند و لذا در حاشیه باقی بمانند. از طرفی دیگر، ساعت‌های طولانی کار، شیفت‌های شبانه و فشار روانی ناشی از شرایط کاری دشوار می‌تواند باعث کاهش کیفیت زندگی آنها شود (لیسا^۱ و همکاران، ۲۰۲۲).

علاوه بر این مسائل، رویارویی با مخاطرات سازمانی و مدیریتی، مسئولیت دشوار آنها را با چالش‌های دوچندان روبرو می‌کند. در واقع پاکبانان با وجود نقش حیاتی‌شان در حفظ سلامت شهری، در ابعاد سازمانی نیز در وضعیت شغلی ضعیفی قرار دارند. از یکسو به علت نبود آموزش‌های تخصصی در زمینه ایمنی و عدم دسترسی به تجهیزات استاندارد و از سوی دیگر به علت عدم هماهنگی دستمزد و مزایای شغلی با شدت سختی کار، آنها در وضعیت پایین شغلی قرار می‌گیرند که این شرایط زمینه‌ساز تنزل جایگاه و منزلت اجتماعی این افراد می‌شود.

با این تفاسیر، کیفیت زندگی و اشتغال پاکبانان همواره از جهات مختلف در معرض تهدیدها و مخاطرات جدی است. این در حالی است که نظام‌های حمایتی و سیاست‌گذاری اجتماعی نیز به ندرت به مسائل و نیازهای این قشر از نیروی کار توجه نشان می‌دهند. از همین جهت، این مطالعه قصد دارد که مخاطرات شغلی پاکبانان را از جهات مختلف تحلیل و کاوش کند و از دریچه نگاه انتقادی این مسئله را مطالعه و بررسی کند.

ادبیات پژوهش

در این بخش در ابتدا به مطالعه و بررسی ادبیات تجربی داخلی و خارجی مرتبط با موضوع مطالعه حاضر خواهیم پرداخت. معیار اصلی انتخاب تحقیقات انجام شده تناسب نظری و مفهومی این مطالعات با مسئله‌ی پژوهش حاضر است. همچنین در مرحله بعد، نظریاتی که راهنمای پژوهشگر و سازنده‌ی چارچوب اصلی پژوهش هستند، مطالعه و بررسی خواهند شد.

زارعی‌پور و جدگال (۱۴۰۱) در پژوهشی تحت عنوان «مدیریت مراقبت از خود در پاکبانان شهرداری برای پیشگیری از بیماری‌های شایع» به ضرورت خودمراقبتی پاکبانان در مواجهه با آسیب‌های جسمی و روانی محیط کار پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه روشن ساخت که خود پاکبانان باید در مقابل سلامتی خود و جامعه احساس مسئولیت کنند و به منظور کنترل و پیشگیری از مشکلات بهداشتی شایع، خودمراقبتی را به عنوان بخشی از فعالیت‌های روزانه‌شان لحاظ نمایند.

مسافری و همکاران (۱۳۹۵) پژوهشی استنادی تحت عنوان «راهکارهای ارتقاء ایمنی و حفظ سلامت پاکبانان شهرداری» انجام دادند. یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان داد که در کشورهایی که حوادث روی داده برای پاکبانان پایین است، توجه به ایمنی قبل از کار از اهمیت فراوانی برخوردار بوده و یک فرهنگ سازمانی است.

وقاری‌مقدم و همکاران (۱۳۹۴) تحقیقی با عنوان «ارزیابی ارگونومیک وضعیت‌های انجام کار رفتگران در شهرداری بیرجند به روش ارزیابی سریع تمام بدن» انجام دادند. این مطالعه به روش توصیفی تحلیلی و بر روی ۴۱ نفر از کارگران مرد انجام شد. آنها به این نتیجه رسیدند که سطح ریسک در وظیفه انتقال زباله‌های جمع‌آوری شده به داخل گاری در محدوده خیلی بالا می‌باشد و می‌بایست اقدامات آنی برای رفع مشکلات ارگونومیک انجام پذیرد.

سجادی (۱۳۹۲) در پژوهشی استنادی تحت عنوان «چالش‌های بهداشتی نیروی انسانی در مدیریت مواد زائد جامد شهری» نشان داد که به علت مواجهه نیروی انسانی با خطرات شغلی ناشی از تولید، جداسازی، بازیافت، حمل و دفع زائدات، باید توجه مدیران و کارگران بخش خدمات شهری به این حوزه جلب شود و همچنین به سلامت، ایمنی و رضایت‌مندی این گروه از کارگران توجه و دقت لازم به عمل آید.

نقاب و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای تحت عنوان «ارزیابی سلامت تنفسی پاکبانان شهرداری متعاقب مواجهه شغلی با آلاینده‌های محیط کار» نشان دادند. این مطالعه کوهورت تاریخی^۱ بر روی جمعیتی متشکل از ۱۰۵ نفر پاکبان و ۹۳ نفر گروه مرجع صورت گرفت. در این پژوهش بررسی شد شیوع علائم تنفسی نظیر تنگی نفس (۳۹٪)، سرفه توام با خلط (۹/۵۲٪)، خس خس سینه (۱۸/۰۹٪)، و خلط (۱۰/۴۷٪) به طور معنی‌داری در پاکبانان بیشتر از گروه مرجع است.

دهداری و فرشاد (۱۳۹۱) تحقیقی با عنوان «پیشگویی انجام رفتارهای شغلی پیشگیری‌کننده از عفونت در رفتگران براساس سازه‌های الگوهای اعتقاد بهداشتی» انجام دادند. در این مطالعه توصیفی تحلیلی ۱۶۲ پاکبان شاغل در منطقه ۹ شهرداری تهران مورد بررسی قرار گرفتند و پرسشنامه‌های طراحی شده را بر مبنای موضوع مورد مطالعه تکمیل کردند. یافته‌های حاصل از این مطالعه نشان داد که دو متغیر «شدت درک شده» و «موانع درک شده» به تنهایی قادر به پیش‌بینی ۵۵ درصد تغییرات انجام رفتارهای شغلی پیشگیری‌کننده از عفونت در رفتگران است.

فولادیان، خانی و شهرپاری (۱۳۹۰) در پژوهش خود به بررسی شیوع بیماری سل در بین رفتگران شهر بندرگز در سال ۱۳۸۸-۱۳۸۹ پرداختند. این مطالعه به روش توصیفی مقطعی و براساس سرشماری بوده و تعداد ۴۵ نفر پرسنل واحد خدمات شهری مورد معاینات بالینی و تنفسی قرار گرفتند. براساس این مطالعه، سل به عنوان یک بیماری شغلی رفتگران مدنظر پزشکان قرار گرفته و علاوه بر آن مسئولین باید توجه ویژه‌ای به پرسنل این بخش داشته باشند.

تحقیقی با عنوان «بررسی تست توبرکولین در رفتگران شهرداری ساری» توسط آهنجان و نصرالهی (۱۳۷۵) صورت گرفته است. روش این مطالعه توصیفی و کلیه رفتگران شهر ساری مورد مطالعه و آزمایشات کلینیکی و پاراکلینیکی و تست توبرکولین قرار گرفتند. نتیجه حاصل از این تحقیق بدین صورت است که برنامه مدون بهداشتی-آموزشی جهت کنترل انتشار آلودگی از سوی مراکز بهداشتی می‌تواند نقش موثری در سلامت جامعه ایفا نماید.

جانسون و جان^۲ (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای پیمایشی با پرسش‌نامه‌های نیمه‌ساختاریافته تحت عنوان «خطرات شغلی و مشکلات بهداشتی در میان رفتگران خیابان در Uyo، نیجریه» انجام دادند. یافته‌های حاصل از این مطالعه نشان داد که به منظور کاهش اثرات مخاطرات بر روی پاکبانان این خیابان باید به مقدار لازم، میزان PPE (تجهیزات حفاظت فردی) را در بین آنها تأمین کنند.

پریانکا و کامبل^۳ (۲۰۱۷) پژوهشی کیفی با مطالعه‌های نیمه‌ساختاریافته با ده مرد و ده زن پاکبان با عنوان «خطرات سلامت شغلی در رفتگران خیابان» در شهر جاندراپور هند مرکزی انجام دادند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که رفتگران خیابانی از تعداد بیماری‌های بهداشتی مانند بیماری‌های تنفسی، پوستی، مشکلات گوارشی، آسم و برونشیت ریه‌ها و ... رنج می‌بردند.

پینتاکم و سیروئینگ^۴ (۲۰۱۵) تحقیقی با روش علی مقایسه‌ای با ۷۵ پاکبان زن و مرد با عنوان «میزان شیوع و عوامل خطر مرتبط با خطرات سلامتی انتخاب شده از مشکلات بهداشتی در بین رفتگران» در تایلند انجام دادند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان‌دهنده این موضوع بود که بیشترین خطرات بهداشت شغلی مشکلات ارگونومیکی (۸۹/۳ درصد) مربوط به رفتگرها در خیابان بوده است.

مصطفی، عبدالحمید و آلباگری^۵ (۲۰۱۵) تحقیقی با روش علی مقایسه‌ای با ۱۰۷ پاکبان و ۱۰۴ کارمند اداری با عنوان «اختلالات تنفسی مرتبط با کار در بین پاکبانان خیابان» در مصر انجام دادند. از این مطالعه نتیجه گرفته شد که قرار گرفتن در برابر گرد و غبار ناشی از جارو کشیدن در خیابان می‌تواند باعث بیماری‌های تنفسی شود.

1. Historical cohort
 2. Johnson & John
 3. Priyanka & Kambel
 4. Pintakhm & Siriwong
 5. Mostafa, Abdel-hamid & Albagougry

سابقه و زودپی^۱ (۲۰۰۸) در پژوهش خود که با روش علی مقایسه‌ای انجام شده بود به بررسی الگوی مرگ و میر در بین پاکبان‌های خیابانی در هند پرداخت. نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که عوارض مهمی از جمله: برونشیت مزمن، آسم برونشیت، پاتریوم و ملتحمه در بین این پاکبانان قابل توجه بود.

با مروری بر تحقیقات داخلی و خارجی در مورد مسئله مورد نظر، روشن شد که اکثر مطالعات سابق در این حوزه به بررسی وضعیت شغلی پاکبانان از جنبه‌های جسمانی و بهداشتی پرداخته‌اند. به طوری که بیشتر پژوهش‌های سابق، در مطالعات خود به موضوعاتی از قبیل بیماری‌های جسمانی از جمله بیماری سل، بیماری‌های ریوی، بیماری‌های عفونی و مخاطرات بهداشتی در محیط کار پاکبانان اشاره کرده‌اند. با این وجود کمتر پژوهشی به دیگر ابعاد مخاطره‌انگیز این شغل اشاره کرده است.

با این تفاسیر حوزه ادبیات تحقیقی و روشی این موضوع از گستردگی لازم برخوردار نیست و کمتر پژوهشی به مخاطرات شغلی پاکبانان از ابعاد مختلف توجه کرده است چرا که در خصوص رنج‌های حاصل از مخاطرات شغلی پاکبانان، نتایجی ارائه نشده است. بنابراین از آنجایی که مطالعات سابق از ادبیات تجربی و نظری ناقصی برخوردار بودند و قادر به توصیف جنبه‌های ناشناخته‌تر و چه بسا مهم‌تر مسئله حاضر نبودند؛ ضرورت انجام این پژوهش بیش از پیش احساس می‌شود. بنابراین با توجه به موضوعات اشاره شده یعنی نبود ادبیات تحقیقی چه به لحاظ موضوعی و چه به لحاظ روش‌شناسی، پژوهشگران بر آن شدند تا با استفاده از رویکرد کیفی و روش مردم‌نگاری انتقادی و با دید جامعه‌شناسانه به بررسی رنج‌های پاکبانان بپردازند.

چهارچوب مفهومی

در این بخش به مطالعه نظریات موجود در مورد مسئله مورد نظر پرداخته‌ایم. در واقع، محققان برای ساخت شاکله علمی استوار، به مطالعه نظریات مرتبط پرداخته‌اند. ضمن اینکه، مطالعه و بررسی نظریات مرتبط با این حوزه، افق‌های تازه‌ای پیش روی محققان گشوده است. خصوصاً در مطالعات کیفی برای ساخت مصاحبه‌نامه و ورود به میدان، آشنایی با نظریات صاحب‌نظران به ایجاد چارچوب پژوهشی استوار کمک نمود.

کارزدگی شغلی با تلاش ماسلاچ و جکسون^۲ وارد متون علمی شد. به عقیده آنها کارزدگی شغلی با مولفه‌های خستگی عاطفی، مسخ شخصیت و عدم کارایی فردی معنا می‌یابد. کارزدگی در کار یک مشکل عمده سلامت سازمانی محسوب می‌شود که می‌تواند سلامت فرد و سازمان را تحت تأثیر قرار دهد (ماسلاچ و اسپافلی^۳، ۲۰۰۱ به نقل از نوروزی، ۱۳۹۱: ۳۱). در خصوص کارزدگی شغلی، پین^۴ در مطالعات خود در سال ۱۹۸۲ به این نتیجه رسید که کارزدگی شغلی، عوارض و نتایج زیانباری دارد. پین عوارض و نتایج کارزدگی شغلی را کاهش نیروی ذخیره شده در بدن فرد، پایین آمدن سطح مقاومت فرد نسبت به بیماری، افزایش عدم رضایت و بدبینی، افزایش غیبت فرد از کار و کاهش کارایی در کار می‌داند (ساعتچی، ۱۳۸۷ به نقل از حلیمی برده زردی، ۱۳۹۵: ۲۲).

کاهیل^۵ پیامدهای کارزدگی شغلی را به پنج دسته فیزیکی، احساسی، بین فردی، نگرشی و رویکردی و رفتاری تقسیم‌بندی کرده است. مسائل مختلف فیزیکی و روانی مانند خستگی مزمن، تأثیرات بین فردی شامل خروج فرد از فعالیت‌های اجتماعی، پیامدهای نگرشی و رویکردی شامل گسترش رویکرد منفی و اغلب غیر حرفه‌ای در قبال مشتریان، همکاران و سازمان و در نهایت تأثیرات رفتاری شامل رفتارهای کاری و مصرفی از پیامدهای کارزدگی شغلی معرفی شده‌اند (کارستن و اسپرمولی^۶، ۲۰۱۱ به نقل از پناهی، ۱۳۹۰: ۶۶).

1. Sabde & Zodpey
2. Maslach & Jackson
3. Maslach & Schufeli
4. Pin
5. Kahil
6. Carsten & Schermuly

کورن هاورز^۱ دریافت که عدم سلامت با عواملی چون شرایط نامطلوب کاری، تند کار کردن، تلاش فیزیکی زیاد، ساعات بالای کاری و کنترل کم بر شرایط کاری ارتباط دارد و همچنین سلامت فرد با کار تکراری، خسته کننده و محیط غیرانسانی در ارتباط است (شفیع‌آبادی، ۱۳۹۱ به نقل از حلیمی برده‌زردی، ۱۳۹۵: ۳۰).

در خصوص فشار کاری، فرنچ و کاپلان^۲ معتقد هستند که فشار کاری به عوامل مختلفی بستگی دارد که می‌توان آنها را به دو دسته تقاضاهای شغلی (حجم کار زیاد، زمان محدود و پیچیدگی وظایف) و منابع فردی و شغلی (مهارت‌ها، حمایت اجتماعی و شرایط کاری مطلوب) تقسیم نمود (فرنچ و کاپلان، ۱۹۷۲).

در زمینه تأکید بر ساختارهای شهری نابرابر، رابرت پارک^۳ به درستی مفهوم انسان حاشیه‌نشین را مطرح کرد. پارک معتقد بود که همان‌طور که در جغرافیای شهری، بسیاری از انسان‌ها در حاشیه این جغرافیا زندگی می‌کنند؛ در سطح اجتماعی نیز گروه‌هایی از اقشار و طبقات، در مواجهه با موقعیت‌های نابرابر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در وضعیتی معلق، سرگردان و حاشیه‌ای قرار می‌گیرند؛ از همین جهت، انسان حاشیه‌نشین از نظر اجتماعی در موقعیتی قرار می‌گیرد که اصطلاحاً با دیگران بیگانه است (زنگی‌آبادی و مبارکی، ۱۳۹۱).

با مروری بر تحقیقات داخلی و خارجی در مورد مسئله مورد نظر، روشن شد که اکثر مطالعات سابق در این حوزه به بررسی وضعیت شغلی پاکبانان از جنبه‌های جسمانی و بهداشتی پرداخته‌اند. به طوری که بیشتر پژوهش‌های سابق، در مطالعات خود به موضوعاتی از قبیل بیماری‌های جسمانی از جمله بیماری سل، بیماری‌های ریوی، بیماری‌های عفونی و مخاطرات بهداشتی در محیط کار پاکبانان اشاره کرده‌اند. با این وجود کمتر پژوهشی به دیگر ابعاد مخاطره‌انگیز این شغل اشاره کرده است.

با این تفاسیر حوزه ادبیات تحقیقی و روشی این موضوع از گستردگی لازم برخوردار نیست و کمتر پژوهشی به مخاطرات شغلی پاکبانان از ابعاد مختلف توجه کرده است چرا که در خصوص رنج‌های حاصل از مخاطرات شغلی پاکبانان، نتایجی ارائه نشده است. بنابراین از آنجایی که مطالعات سابق از ادبیات تجربی و نظری ناقصی برخوردار بودند و قادر به توصیف جنبه‌های ناشناخته‌تر و چه بسا مهم‌تر مسئله حاضر نبودند؛ ضرورت انجام این پژوهش بیش از پیش احساس می‌شود. بنابراین با توجه به موضوعات اشاره شده یعنی نبود ادبیات تحقیقی چه به لحاظ موضوعی و چه به لحاظ روش‌شناسی، پژوهشگران بر آن شدند تا با استفاده از رویکرد کیفی و روش مردم‌نگاری انتقادی و با دید جامعه‌شناسانه به بررسی رنج‌های پاکبانان بپردازند.

اروین گافمن در کتاب داغ ننگ خود صحبت از افرادی به میان می‌آورد که موقعیت خود را در مقام یک بیگانه سامان می‌دهند چراکه جامعه آن‌ها را به چشم افراد حاشیه‌ای می‌انگارد. این افراد با نمایش دادن هویت و ویژگی‌های رفتاری جدید که وجوه شخصیتی آن‌ها را یکپارچه می‌کند، در برابر سرکوبگری موقعیت خویش ایستادگی می‌کنند (گافمن، ۱۳۸۶: ۹۳). گافمن بین دو نوع داغ تمایز قائل می‌شود: داغ بی‌اعتبارشدگی و داغ احتمال بی‌اعتباری که در مورد اول کنشگر فرض را بر این می‌گذارد که دیگران تفاوت‌ها را می‌دانند، در مورد دوم مخاطبان نه داغ را می‌دانند نه برای آنان قابل تشخیص است (ریترز، ۱۳۹۸: ۳۰۰).

میشل فوکو در ارتباط با مفهوم و چپستی قدرت اعتقاد به سلسله مراتبی بودن قدرت را به صراحت رد کرده و از شبکه‌ای از روابط سخن می‌گوید که درهم پیچیده است. همان چیزی که ساختار جامعه را تعیین و آن را مشروع می‌کند. فوکو معتقد است قدرت در این مفهوم ریشه در لایه‌های مختلف تعاملات اجتماعی و زبانی دارد. به بیان دیگر قدرت در یک ظرف گفتمانی شکل می‌پذیرد و به مفهوم می‌رسد. بنظر می‌رسد در اندیشه فوکو مساله قدرت سرتاسر جریان دارد، در نسبت‌ها و اهمیت یافتن مناسبت‌ها، و در ارتباطات کلامی و زبانی افراد بروز پیدا می‌کند و همچنین اشکال مختلف آن از ایدئولوژی و

1. Korn hauser
2. French & Caplan
3. Robert E. Park

اخلاق تا مدرسه و زندان حضور دارد. فوکو معتقد است قدرت در نظام اجتماعی هرگز به گونه‌ای فراگیر و جهانشمول ظاهر نمی‌شود و ظهور آن به صورت خرد است (نوابخش و کریمی، ۱۳۸۸). فوکو همچنین سه نوع ابزار قدرت انضباطی را تشخیص می‌دهد که مورد اول مشاهده مبتنی بر سلسله مراتب، مورد دوم توانایی اعمال داوری‌های هنجاربخش و مورد سوم نیز با دربرگرفتن دو ابزار پیشین صحبت از نظارت انضباطی و نظام دیده‌بانی قدرت به میان می‌آورد که اعمال نظارت را با نوعی سراسر بینی تسهیل می‌کند (ضیمران، ۱۳۹۶: ۱۵۰-۱۴۲).

یکی از نظریاتی که به درستی جایگاه گروه‌های اجتماعی و روابط طبقاتی نابرابر را توضیح می‌دهد، نظریه میدان پیر بوردیو است، در واقع بوردیو با توجه به ساختار قدرت به تحلیل روابط اجتماعی و فرهنگی گروه‌های مختلف در جامعه می‌پردازد. بوردیو معتقد است که میدان‌ها به عنوان فضاهای اجتماعی در جامعه وجود دارند و هر میدان قوانین، هنجارها و منطق خاص خود را دارد که کنشگران با توجه به آنها عمل می‌کنند. این میدان‌ها با وجود استقلال درونی، با یکدیگر تعامل دارند. میدان‌ها به عنوان حوزه‌های رقابتی نابرابر زمینه‌دستیابی به منابع و قدرت بیشتر را برای عاملان خود فراهم می‌کنند. به عقیده بوردیو عاملان حاضر در میدان‌ها بر اساس حجم و ترکیب سرمایه‌شان در موقعیت‌های خاصی قرار می‌گیرند. چنانچه عاملان از سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین بیشتری برخوردار باشند، به تبع جایگاه بالاتری در میدان‌ها خواهند داشت و جزو طبقات بالا محسوب می‌شوند. علاوه بر نوع و میزان سرمایه عاملان در میدان‌ها، یکی دیگر از مفاهیم مورد توجه بوردیو مفهوم عادت‌واره یا هیتاس^۱ است. عادت‌واره‌ها مجموعه‌ای از عادات، مهارت‌ها و گرایش‌هایی هستند که در افراد حاضر در میدان‌ها درونی شده‌اند و نقش مهمی در ایجاد رفتارهای این کنشگران ایفا می‌کنند. با این تفاسیر، به نظر بوردیو طبقات مسلط در میدان‌ها که از هیتاس خاص، متمایز و انواع سرمایه برخوردار هستند، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به فرهنگ، ایدئولوژی و قدرت حاکم ایفا می‌کنند. از این جهت، تمایزهای طبقاتی و رقابت بر سر کنترل منابع در میان بازیگران این میدان‌ها منجر به بازتولید نابرابری در جامعه می‌شود (بون‌ویتز، ۱۴۰۳).

نظریه‌های ارائه شده همگی در فهم مسئله پاکبانان ما را یاری نمودند. در همگی این نظریه‌ها بر موقعیت و جایگاه شغلی و اثراتی که آن موقعیت در بازتعریف زندگی روزمره دارند اشاره شده است. در یک تعریف کلان‌تر، نابرابری اقتصادی و اجتماعی در تمام ابعاد زندگی پاکبانان اثرگذار بوده است. به همین دلیل در طراحی مصاحبه‌نامه و تحلیل‌های بازساختی اولیه به روابط کار، موقعیت شغلی و عمومی و ... پرداخته شد.

روش‌شناسی

رویکرد تحقیق حاضر، از نوع تحقیق کیفی و با رویکرد انتقادی می‌باشد. تحقیق کیفی مجموعه فعالیت‌های با معنا، با هدف توسعه درک و فهم زندگی اجتماعی انسان‌ها و کشف چگونگی معنا از سوی انسان‌ها است (ایمان، ۱۳۸۷). هدف رویکرد انتقادی پیوند دادن پدیده‌های اجتماعی با رویدادهای اجتماعی و تاریخی است (کارسپیکن، ۱۹۹۶). رهیافت انتقادی تحقیق عملی مشارکتی بر ایده‌های رهایی و تغییر به عنوان اهداف مهم تحقیق عملی تأکید دارد و سیاست‌های تحقیق عملی مشارکتی را با فضای عمومی به عنوان کلان بستر جامعه پیوند می‌دهد (محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۷۴).

روش پژوهش حاضر، با توجه به موضوع مورد مطالعه، روش مردم‌نگاری انتقادی است. مردم‌نگاری انتقادی با مسئولیت پرداختن به فرایندهای بی‌عدالتی در محدوده خاص زندگی افراد آغاز می‌شود. پژوهشگر احساس تعهد اخلاقی می‌کند تا شرایط را برای آزادی و برابری بیشتر فراهم کند. «مردم‌نگاری انتقادی به پس‌ظواهر می‌رود، وضعیت موجود را مختل می‌کند و مفروضات بی‌طرف و مسلم‌انگاشته شده را، با روشن کردن عملکردهای اساسی و مبهم قدرت و سلطه برهم می‌زند. از این‌رو مردم‌نگاری انتقادی در برابر اهلی‌شدن مقاومت می‌کند و آنچه هست را به آنچه می‌تواند باشد تبدیل می‌کند» (ذکایی، ۱۳۹۴: ۵۹). در این پژوهش با توجه به روش انتخابی که همان مردم‌نگاری انتقادی است، از رویکرد ۵ مرحله‌ای کارسپیکن بهره می‌جویم که در جدول زیر قابل مشاهده است.

جدول شماره ۱: مراحل رویکرد کارسپیکن

ردیف شرح	جمع‌آوری داده‌ها	تحلیل و بررسی
۱ ایجاد رکوردهای اولیه	کار میدانی، مشاهده، غیرمشارکتی تک‌سویه، غیرمزامتی، تأمل	بازسازی فرهنگی (اتیک)
۲ تفسیر محقق (رویکرد اتیک)	تجزیه و تحلیل بازساختی اولیه	بازسازی فرهنگی (اتیک)
۳ تولید داده‌های گفتگویی (امیک)	کار میدانی، مشاهده مشارکتی، مصاحبه، تعامل و تأمل	بازسازی فرهنگی (امیک)
۴ توصیف روابط سیستم‌ها با زمینه کلان‌تر	انجام تجزیه و تحلیل سیستم‌ها بین مکان‌ها / سایت‌ها / فرهنگ‌ها / تجزیه و تحلیل سیستم (اتیک) (اکتشاف)	
۵ تبیین نظام رابطه‌ای	پیونددهنده یافته‌ها با نظریه‌های سطح کلان (تبیین)	تجزیه و تحلیل سیستم (اتیک)

منبع: زارعی محمودآبادی و همکاران، ۱۴۰۳

با توجه به جدول رویکردهای پنج‌گانه کارسپیکن، در ادامه به مرور اجمالی هر کدام از این مراحل می‌پردازیم. در مرحله اول، کار از مشاهده میدانی و بدون دخالت و به صورت غیر تزاومی آغاز می‌شود. به صورتی که محقق یا پژوهشگر در میدان تحقیق (مکان مورد مطالعه نمونه تحقیق که در اصطلاح کارسپیکن سایت اجتماعی) در ابتدا به عنوان یک مشاهده‌گر ناشناس عمل می‌کند. تمام اتفاقات ریز یا درشت از نگاهش غافل نمی‌ماند و در صورت نیاز یادداشت‌برداری می‌کند که با توجه به اتیک بودن رویکرد این مرحله، تمامی برداشتهای محقق بر طبق مشاهداتش خواهد بود. یک محقق به تمام سوژه‌های مورد مطالعه با تأمل می‌نگرد و مسیر پیمودن راه تحقیق را در ذهنش ترسیم و تنظیم می‌کند.

در این مرحله، یکی از محققان با همراهی همسر (شوهر) خود بارها در طول شب با پاکبانان با خودروی شخصی خویش همراه میشد و سعی می‌کرد تمام جزئیات جوانب کاری آنان را یادداشت کند. در این مسیر وی سعی می‌کرد مشاهدات خود را ثبت و ضبط کند. با توجه به اینکه این مرحله در اوج فراگیری بیماری کووید ۱۹ بوده است (آبان و آذر ۱۳۹۹) هم پیگیری مشاهدات و مشارکت میدانی و هم ارتباط‌گیری با پاکبانان به سختی صورت می‌گرفت. این امر برای چندین شب در محلات مختلف شعر انجام شده است و مستندات میدانی نیز گردآوری شد.

مرحله دوم شامل تحلیل بازساختی اولیه از مشاهدات خود است. در این مرحله محققان سعی می‌کنند مشاهدات منظم خود را سامان‌دهی کنند و تحلیل‌های اولیه از میدان ارائه دهند. روابط و مناسبات قدرت را کشف کنند. در همین مسیر شبکه تصمیم‌سازی‌ها، شبکه تعاملات و روابط پشت پرده و... در این مرحله مورد تحلیل اولیه قرار می‌گیرد. این مرحله نیز رویکرد اتیک دارد و در آن محقق مقوله‌های اولیه را طراحی می‌کند و آماده رویکرد امیک در مرحله بعدی می‌شود که شامل گفت‌وگوهای آشکار و بلا واسطه است. مرحله سوم رویکردی امیک دارد. در این مرحله دوباره ورود به میدان اتفاق می‌افتد اما این بار محقق به مشارکت‌کنندگان اطلاع می‌دهد که پژوهشی در این راستا در حال انجام است. در این مرحله، دیدگاه‌ها و نقطه نظرات مشارکت‌کنندگان در تحقیق از طریق مصاحبه‌های فردی جمع‌آوری می‌شود. زیرا هدف انجام پژوهش و کشف و شناسایی میدان‌های معنا و تولید داده‌ها با مشارکت افراد مورد مطالعه است.

در این مرحله بود که محقق شروع به ارتباط‌گیری با پاکبانان کرد و آنان را از حضور خود مطلع نمود. شایان ذکر است که تعدادی از پاکبانان همراهی بسیار خوبی با محقق داشتند ولی تعدادی نیز از این امر خودداری می‌کردند. برآیند کار این محقق بدین‌گونه بود که در این مرحله با مطلع ساختن آنان از حضور خود و شروع گفت‌وگوهای اولیه، سعی نمود حوزه‌های کاری و دغدغه‌های اوصالی آنان، مسائل شغلی آنان، چگونگی عملکرد آنان، تجهیزات آنان و ... بررسی کرد و سعی کرد حوزه‌های اصلی که باید در مرحله بعد به صورت رسمی با آنان مواجه شود استخراج نمود. این محقق به کمک سایر اعضای تیم سعی نمودند ادراک مشخصی از وضعیت شغلی و رنج‌های آنان به دست دهند. به همین دلیل شرایط سخت کاری، تضییع حقوق آنان، تجهیزات ناکافی آنان و ... یادداشت‌برداری شد و بر همین اساس محقق آماده ورود به مرحله سوم شد.

مصاحبه، نقش محوری دارد. زیرا مصاحبه به مشارکت‌کنندگان در پژوهش امکان می‌دهد، تا سازه‌های تولیدشده از

سوی محقق را مورد چالش قرار دهند (کارسپیکن، ۱۹۹۶: ۱۵۵ به نقل از روحانی و حاجی حیدری، ۱۳۹۷: ۷-۲۹).

نمونه مورد نظر در این پژوهش، پاکبانان مناطق مختلف شهر یزد هستند. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، یکی از محققان در میدان بعد از مطلع ساختن پاکبانان از حضور خود از آنان برای مصاحبه حضوری یا تلفنی (به‌واسطه همه‌گیری کرونا) تقاضای وقت می‌کرد. این امر با همراهی همسر وی رخ می‌داد. شایان ذکر است بعضی از مصاحبه‌ها در حین کار انجام شد، بعضی از مصاحبه‌ها در طول روز و در خارج از محدوده شغلی پاکبانان رخ داد و بعضی از مصاحبه‌ها نیز تلفنی رخ دادند. در انتخاب پاکبانان اولین ملاک همکاری آنان بوده است اما علاوه بر آن سعی شد تنوع در انتخاب پاکبانان و ملاک‌های شمول، از نظر سطح زندگی، آسیب‌های جسمانی، تحصیلات و ... انجام شود. در نهایت ۲۰ نفر از پاکبانان مناطق مختلف شهر یزد انتخاب شدند و به صورت هدفمند تا اشباع نظری با آنها مصاحبه‌های عمیق صورت گرفت. در این مسیر سوالات به‌طور مشخص از شرایط شغلی آنان، وضعیت آنان با کارفرما، سختی شغل، روابط خانوادگی آنان، منطقت اجتماعی آنان در جامعه و در نزد خانواده، آسیب‌پذیری‌های احتمالی آنان در شرایط کار و ... پرسیده شد.

بعد از این مرحله محققین در مرحله چهارم پژوهش به کدگذاری داده‌ها پرداختند و به امر استخراج مقولات (در بخش یافته‌ها ارائه شده است) پرداختند. در این مرحله مسائل و مشکلات محقق با رویکردی اتیک و با زبان علمی علوم اجتماعی بیان شد. در این مسیر سعی شد تا جای ممکن مقولات هم ویژگی انتزاعی بودن خود را داشته باشند و هم گویایی و شفافیت خود را نشان دهند.

در مرحله پنجم پژوهش سعی شد یافته‌ها در دل نظریات تبیین شوند (در بخش بحث و نتیجه‌گیری). در این بخش، سعی شد یافته‌های پژوهش با نظریه‌های مورد استفاده قرار گرفته در بخش چارچوب مفهومی تبیین شوند و علاوه بر آن به تبیین وضعیت زندگی پاکبانان با این نظریه‌ها پرداخته شود. در این مرحله در واقع سعی شد پاکبانان در یک روابط سیستمی کلان مورد بررسی قرار گیرند و اثرپذیری زندگی آنان تبیین شود. علاوه بر آن سعی شد با رویکردی عملگرایانه پیشنهاداتی در جهت بهبود وضعیت آنان ارائه شود.

جدول شماره ۲: اطلاعات مشارکت‌کنندگان پژوهش

نام مستعار	سال تولد	وضعیت تأهل	سابقه کاری
علی	۱۳۶۵	متاهل	۴ سال
داود	۱۳۶۸	متاهل	۱۵ سال
حسن	۱۳۶۷	متاهل	۵ سال
سعید	۱۳۶۷	مجرد	۶ سال
بهرام	۱۳۵۵	مجرد	۱۱ سال
علی	۱۳۵۴	مجرد	۱۰ سال
یونس	۱۳۶۶	متاهل	۶ سال
رحیم	۱۳۶۵	متاهل	۵ سال
مصطفی	۱۳۷۱	متاهل	۷ سال
ارش	۱۳۵۳	متاهل	۱۰ سال
بهباد	۱۳۷۰	متاهل	۵ سال
ناصر	۱۳۶۲	متاهل	۵ سال
جعفر	۱۳۶۱	متاهل	۶ سال
رحیم	۱۳۵۰	متاهل	۱۵ سال
نادر	۱۳۵۵	متاهل	۱۰ سال
باقر	۱۳۶۰	متاهل	۴ سال
محمد	۳۵۰	متاهل	۱۳ سال
احمد	۱۳۶۰	متاهل	۶ سال
یوسف	۱۳۵۷	متاهل	۷ سال
مهدی	۱۳۶۱	متاهل	۱۰ سال

منبع: یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر قابلیت اعتماد^۱ یافته‌ها با روش‌های ۱. مشارکت طولانی^۲ و مشاهده مداوم در میدان تحقیق؛^۳ بررسی همکاران^۴؛ تأیید مشارکت کنندگان^۴؛^۴ توصیف غنی^۵؛ تأیید شد. تأیید اتکاپذیری^۶ تحقیق نیز با رعایت اصول و نکات مصاحبه، ثبت رخدادهای کامل و پیاده‌سازی دقیق و باجزئیات انجام گرفت. در این زمینه، از تکنیک بازاندیشی ماثرو دوث^۷ (۲۰۰۳) در تمامی مراحل تحقیق استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

ارائه

در این بخش یافته‌های پژوهش ارائه می‌گردد. به عبارتی، داده‌های بدست آمده از مصاحبه‌ها در قالب مقولات استخراجی ارائه می‌گردد.

جدول شماره ۳: مفاهیم و مقولات استخراج شده

مفاهیم	مقولات
اثر تعیین کننده قوانین کاربر روابط کارگر/کارفرما	تنظیم روابط کار
تعاملات محدود با کارفرما	
پرداخت کامل حق کارگر در شهرداری	
دریافت به موقع حقوق و مزایای شغلی	ارجحیت کارفرمای دولتی بر خصوصی
دریافت خدمات (امکانات) رفاهی بیشتر	
پرداخت سلیقه‌ای دستمزد	
بهره‌کشی از کارگر	تضییع حقوق کارگر در شرکت‌های پیمانکاری
قوانین سازمانی سختگیرانه	
اولتیماتوم‌های مداوم کارفرما به کارگر	
نظارت و کنترل مداوم کارفرما بر کارگر	اعمال قدرت کارفرما
سلب واکنش‌های اعتراضی از کارگر	
تعدیل نیروی کار غیر استاندارد	
تقسیم کار غیر اصولی	وظایف شغلی تحمیلی
اضافه کاری اجباری	

منبع: یافته‌های پژوهش

روابط کار

اولین مقوله در رابطه با چگونگی رابطه کارگر با کارفرما است که شامل ۵ مقوله و ۱۴ مفهوم می‌باشد. وجه مهمی از رفتار انسان که با توجه به خصلت اجتماعی بودن شکل گرفته و تکامل یافته است، روابط حقوقی و مشخصاً عقود یا روابط قراردادی است. در جوامع امروزی، روابط کار (رابطه بین کارگر و کارفرما) از مهم‌ترین روابط قراردادی محسوب می‌شوند. این روابط به دلیل نیاز فزاینده جوامع به کار و خدمات انسانی، یکی از شایع‌ترین روابط قراردادی در عصر حاضر است که به

1. Credibility or Trustworthiness
2. Prolonged Engagement
3. Peer Review
4. Member Checking
5. External Audit
6. Dependability
7. mauthner and doucet

موجب آن کارگر نیروی بدنی یا فکری خود را در برابر دریافت مزد در اختیار کارفرما می‌گذارد و می‌پذیرد که زیر نظر و به دستور او کار کند (شاهی، ۱۴۰۱؛ عراقی، ۱۳۷۱). به طور کلی روابط کار به چگونگی کیفیت و محتوای رابطه کارگر و کارفرما می‌پردازد. مبنی بر این موضوع مشارکت‌کنندگان به این موضوع اشاره داشتند که رابطه بسیار محدودی با کارفرما دارند و در اغلب موارد حتی دیداری میان آنان صورت نمی‌گیرد. باقر در این رابطه می‌گوید:

«کارفرما رو که ما اصلا نمی‌بینیم از شرکت ما گاه‌گذاری سه چار ماه یه بار یه جلسه می‌ذاره یه سلام می‌کنه سرکارگرمونم هست اونم بعضی موقع‌ها یه رب بیست دقیقه میاد یه سلام علیکی می‌کنه میره».

تنظیم روابط کار

همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد روابط کار، کیفیت و محتوای رابطه کارگر و کارفرما را مشخص می‌سازد. به عبارتی مجموعه‌ای از قوانین و مقررات، بر روابط کارگر و کارفرما حاکم است که علاوه بر اینکه کیفیت و محتوای این رابطه را مشخص می‌کند، چگونگی تحقق یافتن این محتوا را نیز تعیین می‌نماید (میرسپاسی، ۱۳۶۸: ۸۳). طبق گفته پاکبانان مصاحبه‌شونده زمانی که آنان قوانین مشخص شده در کار و یا به عبارتی وظایف شغلی محول شده به آنان را رعایت می‌کردند تعارض و یا اختلاف کارگری و کارفرمایی به وجود نمی‌آمد. به عبارتی گرچه رابطه و تعامل کارگران و کارفرمایان به مثابه کنشگران اصلی در محیط کار حاکی از اجتناب‌ناپذیر بودن اختلاف است (حسین‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۴ و ۱۲۷) اما رعایت دستورات و نظرات کارفرما از جانب کارگر می‌تواند اختلافات کارگر و کارفرما را به حداقل برساند. حسن می‌گوید:

«کارگری که کار نکنه حتی اخراجشم می‌کنن ولی من سر وقت میام کارمو خوب انجام می‌دم خوب بودن باهام»

ارجحیت کارفرمای دولتی بر خصوصی

گرچه رعایت قوانین مشخص شده در کار و پیروی از دستورات و نظرات کارفرما از جانب کارگر از لزومات روابط کار و یا رابطه کارگر و کارفرما است اما باید به این نکته نیز توجه داشت که کارفرما نیز باید به نوبه خود قوانین حاکم بر این رابطه را رعایت و وظایف خود را در قبال کارگران به خوبی انجام دهد. به عبارتی رعایت قوانین حاکم بر روابط کار از جانب طرفین ضروری و تعیین‌کننده است. اما برای فهم بهتر این موضوع و یا به عبارتی روابط میان پاکبانان و کارفرما باید توضیحاتی را ارائه کرد. گروهی از پاکبانان مشارکت‌کننده به جای قرارداد مستقیم با شهرداری با پیمانکاران طرف قرارداد هستند. به عبارتی شهرداری به هنگام تأمین نیروی کار می‌تواند قسمتی از وظایف قابل واگذاری را به پیمانکاران بسپارد. طی این امر که به آن برون‌سپاری نیز گفته می‌شود شهرداری رابطه کاری خود با بخشی از کارگران را قطع کرده و به پیمانکاران واگذار می‌نماید. بنابراین ما از طریقی با دو نوع کارفرما روبه‌رو هستیم؛ یکی شهرداری و دیگر پیمانکاران. مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر قرارداد مستقیم با کارفرما یعنی شهرداری را نسبت به پیمانکاران ترجیح می‌دادند. آنان برای این گفته خود دلایلی داشتند. یکی از دلایل اشاره شده از جانب آنان شیوه متفاوت پرداخت حقوق از جانب شهرداری و شرکت‌های پیمانکاری بود. به زعم پاکبانان مشارکت‌کننده پرداخت حقوق از جانب شهرداری نه تنها به موقع و در زمان مناسب صورت می‌گیرد بلکه حق کارگر از جانب شهرداری نیز رعایت می‌گردد و به عبارتی حقوقی درخور خدمات ارائه دهنده به کارفرما دریافت می‌کنند. نادر می‌گوید:

«تو شهرداری بهتره بالاخره کارت دولتی، قراردادی نیستی، پولتو کم نمی‌کنن بعد بهت بدن از هر لحاظی شهرداری بهتره».

تضییع حقوق کارگر در شرکت‌های پیمانکاری

شرکت‌های پیمانکاری با وجود قوانین سفت و سخت سازمانی، در انجام مسئولیت‌های خود عاجز هستند. به طوری که با وجود نظارت بر کارگران شهری و افزایش حجم کار آنها، از پرداخت به موقع و عادلانه حقوق خبری نیست. بنابراین گفته

پاکبانان مصاحبه‌شونده، شرکت‌های پیمانکاری به جای پرداخت کامل حقوق و یا به عبارتی پرداخت تمام و کمال حق کارگر، سهم بیشتری از حقوق را از آن خود می‌دانند و آنچه نصیب آنان می‌شود به مراتب کمتر از حقوق دریافتی کارگران شهرداری است. در چنین شرایطی با وجود حجم کار زیاد و عدم پرداخت عادلانه دستمزدها، توقعات و انتظارات نابجای شرکت همچنان باعث آزار مشارکت‌کنندگان بوده است. مشارکت‌کنندگان اذعان داشتند که این شرکت‌ها در تلاش بودند تا با حداقل نیرو و پرداخت ناعادلانه بدهی، حداکثر بازدهی و سود را داشته باشند. علی می‌گوید:

«خصوصی به نظر من خوب نیست آگه زیر نظر شهرداری بودیم بهتر بود، بخاطر اینکه من فکر می‌کنم بیشتر پولی که الان شهرداری می‌دهد به نظرم حقوقش بیشتره چون اینجوری به ما کمتر می‌رسه چون شخیصه دیگه یه مقداری از حقوق مارو برای خودشون برمی‌دارن».

تمامی این عوامل یعنی تعدیل نیروی کار غیر استاندارد، تقسیم کار غیراصولی، اضافه‌کاری اجباری و به طور کلی وظایف شغلی تحمیلی در کنار این مسئله یعنی عدم پرداخت حق واقعی کارگران از جانب کارفرما (پیمان‌کار)، به نوعی بهره‌کشی از پاکبانان مشارکت‌کننده قلمداد می‌شد و نشان از تزییع حقوق مشارکت‌کننده داشت.

اعمال قدرت کارفرما

همان‌طور که پیشتر توضیح داده شد پاکبانان مشارکت‌کننده ترجیح می‌دادند به جای شرکت‌های پیمانکاری، به طور مستقیم با شهرداری قرارداد داشته باشند. یکی دیگر از دلایل آنان در این مورد اعمال قدرت کارفرما و یا به عبارتی شرکت‌های پیمانکاری بود. پاکبانان مشارکت‌کننده نه تنها به طور مداوم تحت نظارت و کنترل کارفرما بودند بلکه اولتیماتوم‌های مداوم کارفرما نیز آنان را تحت فشار قرار داده و از کار دلزده کرده بود. به عبارتی کارفرما به طور مستمر پاکبانان را تهدید به اخراج از کار می‌کرد و همین امر نیز منجر به سلب واکنش‌های اعتراضی در میان مشارکت‌کنندگان شده بود. مهدی در اینباره می‌گوید:

«تهدید هست خیلی وقتا، مثلا میاد می‌گه جدولت چرا کثیفه بهش می‌گم من دیروز تمیز کردم نرسیدم امروز پیاده رو تمیز کردم بهم می‌گن آگه اینطوریه دیگه از فردا نیا سرکار، سرچیزای کوچیک اخراج نمی‌کنن ولی خب تهدید می‌کنن البته اونام بالاسری دارند».

وظایف شغلی تحمیلی

زمان و کیفیت انجام فعالیت‌ها در محیط کار بهتر است متناسب با نیرو و توان افراد باشد. چنانچه وظایف کاری بیش از حد توان و ظرفیت (جسمانی، روانی) افراد بر آنها تحمیل شود، نه تنها بازدهی لازم را فراهم نمی‌کند بلکه چنین شرایطی، موجب سرخوردگی و دلزدگی شغلی می‌شود. این مقوله به وضعیتی اشاره دارد که کارفرما با تعدیل نیروی کار غیر استاندارد وظایف بیشتری را به پاکبانان مشارکت‌کننده تحمیل کرده بود. در این وضعیت تحمیلی، کارفرما با تعدیل نیروی کار استاندارد، تقسیم کار غیر اصولی و حتی در مواقعی اضافه‌کاری اجباری؛ فشار مضاعفی را بر پاکبانان تحمیل کرده بود. این شرایط سبب می‌شد که پاکبانان مجبور شوند همزمان مسئولیت‌های دشوار و چندگانه‌ای را در محیط‌های مختلف شهری به ثمر برسانند. سعید در اینباره می‌گوید:

«کاری که قبلا مال دو نفر بوده حالا کارگرا رو کم کردن مثلا مسئولیتشو گذاشتن برای یه نفر، همین پستی که ما داریم مال دو نفر بوده کردن مال یه نفر قبلا پستا خیلی کوچیک‌تر بود اما الان دو سه سالی هست که اینطوری کردن حالا دو و نیم برابر شده بعدم می‌گن آگه می‌تونن کار کن آگه هم نمی‌تونن خب برو یکی دیگه میاد».

این امر و یا به عبارتی کاهش نیروی کار و یا فقدان کارگران لازم منجر به تقسیم کار غیر اصولی در میان مشارکت‌کنندگان و اضافه شدن اجباری ساعات کار برای پاکبانان شده بود. اضافه‌کاری‌های غیر اصولی و اجباری، فرصت پرداختن به زندگی

روزمه را از آنها گرفته بود. در واقع چنین شرایطی، فاصله زندگی در محیط کار و زندگی در کنار خانواده را به حداقل رسانده بود. تمامی این عوامل به خودی خود در ایجاد فرسودگی و ناتوانی شغلی موثر خواهد بود.

تحلیل روحی / جسمانی / اجتماعی سلامت

یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر موضوع سلامت، محیط شغلی، شرایط کاری و به طور کلی نوع شغلی است که افراد به آن می‌پردازند. نایمن بودن محیط کاری و خطرات و حوادث ناشی از کار نه تنها صدمات جسمانی را برای افراد به همراه دارد بلکه زمینه را برای بیماری‌های روحی و روانی نیز فراهم می‌آورد (حسن‌پور و همکاران، ۲۰۲۱). این امر در رابطه با شغل مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر نیز صدق می‌کند. به عبارتی پاکبانان مصاحبه‌شونده نیز در طول فعالیت کاری خود تجربیاتی از این دست داشته‌اند. این تجربیات هم در زمینه جسمی و هم روحی، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را بر پاکبانان تحمیل کرده است. گرچه ایفای وظایف شغلی منجر به آسیب‌پذیری جسمانی و بعضاً صدمات ناشی از کار و به طور کلی کاستی در بعد جسمانی سلامت برای مشارکت‌کنندگان شده بود، از دیگر عواملی باید بدان نیز اشاره کرد تحلیل روحی آنان بود. به عبارتی پاکبانان مصاحبه‌شونده بر این امر اذعان داشتند که کار آنان عاری از خطرات شغلی و آسیب‌پذیری نیست با اینحال سخت کار می‌کنند و فشارهای ناشی از کار (چه از جانب کارفرما و چه از جانب مردم) را تحمل می‌نمایند. همین موضوع منجر به فشارهای عصبی و آسیب‌پذیری روحی برای مشارکت‌کنندگان شده بود. از دیگر عواملی که باید بدان اشاره کرد تحلیل روحی آنان بود. به عبارتی پاکبانان مصاحبه‌شونده بر این امر اذعان داشتند که کار آنان عاری از خطرات شغلی و آسیب‌پذیری نیست با اینحال سخت کار می‌کنند و فشارهای ناشی از کار (چه از جانب کارفرما و چه از جانب مردم) را تحمل می‌نمایند. همین موضوع منجر به فشارهای عصبی و آسیب‌پذیری روحی برای مشارکت‌کنندگان شده بود. از دیگر ابعاد سلامت که باید به آن نیز توجه داشت بعد اجتماعی سلامت می‌باشد. به عبارتی سلامت اجتماعی بخشی از سلامت فرد است که در جامعه پدیدار می‌شود. پاکبانان مشارکت‌کننده اظهار داشتند که گاهی در حین انجام وظایف شغلی با واکنش‌های منفور و ناشایست از جانب مردم مواجه می‌شوند به طوری که منجر به شرم‌زدگی آنان از کار و موقعیت شغلی‌شان می‌شود. علاوه بر این موضوع نیز گروهی از مشارکت‌کنندگان از جانب خانواده و خویشاوندان نیز مورد حمایت قرار نمی‌گرفتند. آنان به لحاظ کاری و موقعیت شغلی مورد مقایسه قرار گرفته بودند. امیر که از عدم مقبولیت واکنش‌های اجتماعی صحبت کرد می‌گوید:

«تأثیر که داره چون که میگن کارگر شهرداریه طرف ما در جامعه هستیم، انگار که چطور بگم نجس باشی اینجور یا بعضیا میگن واقعا کار شما عالیه بعضی مثلا میگن که انگار دستمون تو بلانسیست آشغالا و نمی‌دونم زباله کثیف باشه مثل پوشک نمی‌دونم چی چی دست میزنن شاید نجس باشن در صورتی که اینجور نیس».

هزینه‌های غیرمستقیم خطرات شغلی

باید به این نکته نیز توجه داشت که آسیب‌پذیری روحی / جسمانی و اجتماعی پاکبانان مشارکت‌کننده تنها متوجه شخص خود آنان نبوده است و باید به هزینه‌های غیرمستقیم این آسیب‌پذیری‌ها و یا به بیان دقیق‌تر تبعات روانی این آسیب‌پذیری‌ها برای اعضاء خانواده پاکبانان مشارکت‌کننده نیز اشاره کرد. همان‌طور که قبلاً نیز توضیح داده شد فشارهای کاری پاکبانان مصاحبه‌شونده منجر به فشارهای عصبی برای آنان شده بود. آنان بعضاً با تخلیه فشارهای عصبی خود در خانه سبب بروز تنش‌هایی برای اعضاء خانواده شده بودند. حسن می‌گوید:

«هست! بعضی وقتا دیگه آدم بهش زور میاد، کار سنگینه، هم سرکارگر فشار میاره، بری خونه خانتم بگه چرا فلان چیزو نیاوردی آدم دیگه اعصابش خراب میشه نمی‌تونه خودشو کنترل کنه».

مراقبت‌های ناکافی درمانی/بهداشتی

یکی از راه‌های پیشگیری، تشخیص، درمان و مراقبت از کارگران انجام معاینات شغلی یا معاینات دوره‌ای است. این معاینات که با فواصل زمانی معین که معمولاً سالی یکبار و از جانب کارفرما صورت می‌گیرد نقش مهمی در تامین سلامت کارگران و یا به عبارتی سلامت محیط کاری دارد. اگرچه این معاینات در بدو استخدام انجام می‌گیرد اما انجام آن با فواصل زمانی معین و به عبارتی تداوم داشتن آن ضروری است. این در حالی است که بنابر گفته پاکبانان مشارکت‌کننده این معاینات تنها در بدو استخدام و یا برخلاف روال معمول آن که سالی یکبار می‌باشد انجام گرفته است. در این شرایط ارائه خدمات بهداشتی و درمانی مانند ماسک، دستکش و مایع ضدعفونی‌کننده از جانب کارفرما جهت افزایش ایمنی و سلامت محیط کاری و نیروی کار بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند. اگرچه پاکبانان مشارکت‌کننده از دریافت ماسک و دستکش صحبت کردند اما اظهار داشتند که تعداد دریافتی این موارد متناسب با محیط کار و شرایط شغلی نبوده و علاوه بر آن مایع ضدعفونی‌کننده نیز تنها در اوایل همه‌گیری کرونا به آنان ارائه شده است و پس از مدتی این روند توقف پیدا کرده است. نادر می‌گوید:

«اوایلش ضد عفونی اینا دادن ولی دیگه نه تازه مایی که هر دو سه ساعتی باید ماسکمونو عوض کنیم، من الان جارو کنم ماسک باشه دو دقیقه بشه ماسک خیس عرق میشه».

امکانات رفاهی حداقلی

به طور کلی وضعیت اقتصادی یک عامل مهم و تعیین‌کننده در سلامت افراد محسوب می‌شود به طوری که رفاه اقتصادی می‌تواند منجر به ارتقاء سلامت جسمی و روحی و حتی اجتماعی و فقدان آن تشدید آسیب‌پذیری افراد در این زمینه شود. پاکبانان مشارکت‌کننده نه تنها حقوق دریافتی خود را نامناسب و به عبارتی کم‌تر از زحمت و خدمات ارائه‌دهنده به کارفرما می‌دانستند بلکه معتقد بودند که مزایای شغلی اختصاص یافته به آنان نیز باید افزایش پیدا کند. سعید می‌گوید:

«اگه مناسبی پیش بیاد آره ولی پول جداگونه‌ای برامون در نظر بگیرن نه نبوده تا حالا»

مخاطره‌پذیری فرایند شغلی

باید توجه داشت که شرایط کار و محیط شغلی و به طور کلی نوع شغل علاوه بر اثرپذیری از عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی می‌تواند تحت تأثیر پیشامدهای طبیعی نیز قرار گیرد. وقوع اپیدمی کووید-۱۹ از جمله وقایع طبیعی است که خطرات ناشی از کار و آسیب‌پذیری شغلی را برای پاکبانان دو چندان کرده بود. به گفته پاکبانان مشارکت‌کننده آنان در دوران کرونا نگرانی فرایندهای را تجربه کرده بودند زیرا به واسطه شغل و وظیفه‌ای شغلی مؤظف به پاکسازی و تمیزسازی شهر بودند که در دوران وقوع و اوج‌گیری ویروس کرونا به مسئله‌ای حساسیت‌زا تبدیل شده و امکان مبتلا شدن به این بیماری را برای پاکبانان به شدت افزایش داده بود. داوود می‌گوید:

«بله خب! دو سه تا از بچه‌ها تو همین تمییز کردن کرونا گرفتن که اگه دیر بجنبی گرفتت اگه حواست نباشه سریع می‌گیری چون ما که نمی‌دونیم شما حساب کن بنده‌خدا ماسک انداخته رو خیابون ما هم نمی‌دونیم»

تجهیز نامناسب ابزار کار

این مراقبت‌های ناکافی درمانی/بهداشتی، آسیب‌پذیری روحی و جسمانی پاکبانان را محتمل‌تر ساخته بود. از دیگر عواملی که توسط کارفرما باید مورد توجه قرار گیرد استانداردسازی شرایط کار و بهبود شرایط شغلی برای کارگران است. به عبارتی حمایت شغلی کارگران از جانب کارفرما نیز امری مهم و تأثیرگذار در وضعیت سلامت کارگران است. این درحالی است که پاکبانان مصاحبه‌شونده از تجهیز نامناسب ابزار کار صحبت کردند. بنابر گفته مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر جارو که از ابزار

اصلی کار پاکبانان است به موقع در اختیار پاکبانان قرار نگرفته و مدت زمان تعیین شده جهت استفاده از جاروهای ارائه شده کارآمد نیست. آرش در اینباره می‌گوید:

«جارو! کل کار ما بستگی به جارو داره، جارو نمیدن هزار بار گفتم بهشون شما یه ماشین مدل بالا بذار زیر پامون بگو دور بزن تو خیابون، خیابون که تمیز نمیشه، جاروئه که تمیز می‌کنه که جارو هم نمیدن، بهمون می‌گن جارو رو باید بیست روز بگذرونی یکی بهشون بگه آخه چجوری بگذرونم، نباید ما جارو کنیم؟ می‌گه باید بگذرونی، ما کل کارمون همین جاروئه که نمیدن.»

بحث و نتیجه‌گیری

مخاطرات شغلی در بین برخی از مشاغل اجتماعی با شدت و میزان قابل توجهی، سلامت کارکنان این مشاغل را تهدید می‌کند. یکی از این مشاغل پرخطر در جامعه، شغل پاکبانی و مسئولیت‌های مرتبط با آن است. مسائل و رنج‌های پاکبانان واقعیتی انکارنشدنی در جامعه ایران و بخصوص در شهرهای صنعتی از جمله شهر یزد است. رویارویی پاکبانان با مخاطرات شغلی فزاینده، پژوهشگران را به بررسی و مطالعه مسائل و رنج‌های پاکبانان سوق داد. به همین منظور، مطالعه حاضر با استفاده از پارادایم انتقادی و روش مردم‌نگاری انتقادی کارسپیکن طراحی شد تا ابعاد اجتماعی این گروه شغلی بهتر مورد بررسی قرار گیرد. در این مسیر با استفاده از مشاهده مشارکتی و همراهی با پاکبانان، سعی شد تحلیل‌های اولیه استخراج شود و ابعاد مخاطرات شغلی مشخص شود تا در مرحله بعد با ذهنی روشن به مصاحبه با پاکبانان پرداخته شود. در این میان، مشارکت کنندگان مطالعه حاضر، با استفاده از روش نمونه‌گیری نظری و هدفمند انتخاب شدند. در این راستا، ۲۰ نفر از افراد پاکبان مناطق مختلف شهر یزد که دارای سوابق شغلی متنوع بودند، انتخاب شدند و با حفظ اصل محرمانگی با آنان مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته انجام شد. در این پژوهش، داده‌ها از طریق مشاهده مستقیم، مشاهده مشارکتی، گفتگوهای روایتی و نیمه ساختارمند از پاکبانان و همچنین بررسی اسناد جمع‌آوری شدند.

نتایج این پژوهش نشان داد که وضعیت پاکبانان چه در محیط‌های کاری و چه در بستر زندگی شخصی و اجتماعی، وضعیتی متزلزل و پروبلماتیک است. این وضعیت نابسامان تحت‌الشعاع مجموعه‌ای از چالش‌های اساسی قرار دارد که بر شرایط شغلی و کیفیت زندگی آنها اثرگذار است. به نظر می‌رسد در بعد سازمانی و تنظیم روابط کار، پاکبانان عموماً با نابرابری‌های اقتصادی و شغلی قابل توجهی روبرو هستند. از طرفی حقوق و مزایای آنها با نوع سختی کار و شدت مسئولیت‌هایشان هیچگونه تناسب و هماهنگی ندارد و از طرفی دیگر حقوق و مزایای آنها همیشه با فراز و فرودهایی همراه است. با وجود تضییع آشکار حقوق پاکبانان از سوی کارفرمایان، حق هرگونه اعتراض و انتقاد از آنها سلب شده و چه بسا با تهدید به برکناری، همواره در موضعی منفعلانه باقی می‌مانند. آنها در واقع همیشه با یک تهدید هستی‌شناختی مواجه هستند. از همین رو روابط پاکبانان با کارفرمایان خصوصاً پیمانکاران بخش خصوصی، روابطی خصمانه و محدود است. روابط نظارتی کارفرمایان به طور ویژه در پیمانکاری‌های خصوصی، منجر به اعمال فشارها و محدودیت‌های شغلی می‌شود. این شرایط همراه با تقسیم کار غیر اصولی و وظایف تحمیل‌شده، به فرسودگی و عدم رضایت شغلی پاکبانان می‌انجامد. از سویی دیگر، قوانین نابرابر شغلی باعث می‌شود که اکثر پاکبانان، کارفرمایان دولتی را بر کارفرمای خصوصی ترجیح دهند. با اینحال، با وجود بهره‌کشی ناعادلانه در محیط کار و ناامنی شغلی، پاکبانان با روابط کاری خود کنار آمده و با شرایط تهدیدکننده سازگار می‌شوند. این امر تا حد زیادی تحت تاثیر شرایط اقتصادی جامعه است. تلاطمات اقتصادی و اجتماعی، تورم فزاینده، تحریم‌های اقتصادی و ... شرایط شغلی را بی‌ثبات کرده است و قدرت چانه‌زنی و مذاکره را از آنان سلب نموده است. به همین دلیل آنان سعی می‌کنند مکانیزم‌های سازگاری را انتخاب کنند.

علاوه بر این مسائل، مخاطره‌پذیری بالای شغلی به همراه تجهیزات و امکانات رفاهی حداقلی، خطرات جسمانی، روانی و اجتماعی زیادی را به همراه دارد، به طوری که مشکلات جسمانی و خسارت‌های روانی جبران‌ناپذیر، با مراقبت‌های درمانی و بهداشتی مناسب مهار نمی‌شوند و این مسئله وضعیت اشتغال پاکبانان را پرریسک‌تر می‌کند. در راستای آسیب‌های

جسمی/روانی ناشی از محیط کار و قرار گرفتن در موقعیت اقتصادی پایین، آسیب‌هایی را بر پیکر روابط اجتماعی پاکبانان در بستر خانواده نیز وارد می‌کند که با سرافکنندگی و عدم مقبولیت نسبی اجتماعی همراه است. تجربه فشارهای اقتصادی در محیط کار همراه با فقدان حمایت از سوی خانواده و اطرافیان، دایره حمایتی پاکبانان را به حداقل می‌رساند.

با این تفاسیر، زندگی پاکبانان تحت تأثیر ناملایمات اقتصادی و چرخه نابرابر شغلی قرار می‌گیرد که سلامت عمومی آنها را تهدید می‌کند و از طرفی دیگر به طور مستقیم آنها را در موقعیت اجتماعی پایین قرار می‌دهد. بازتولید این نابرابری‌ها، منجر به از دست دادن سرمایه‌های اجتماعی می‌شود و بنابراین پاکبانان همواره به عنوان قشری در حاشیه باقی می‌مانند. در واقع، پاکبانان با انتخاب شغل پاکبانی، نه تنها نمی‌توانند از مزیت‌های شغلی هر شغل مرسوم استفاده کنند، بلکه انتخاب این شغل خود منجر به افت اجتماعی و اقتصادی می‌شود و درحاشیه‌ماندگی آنان را تقویت می‌کند. کم‌اینکه بسیاری از آنان در بدو ورود به این شغل نیز موقعیتی حاشیه‌ای در جامعه داشته‌اند.

در مقیاسی کلان‌تر، می‌توان یافته‌های پژوهش را در لنزی نظری نیز تبیین کرد. همان‌طور که پارک شکل‌گیری انسان حاشیه‌نشین را تبیین کرده بود، ما در اینجا نیز شاهد قشری هستیم که به واسطه فشارهای ساختاری/موقعیتی تا حد زیادی در حاشیه باقی می‌مانند. حتی نوع زمان‌بندی شغلی آنان (تقریباً اوایل شب تا اواخر شب و اوایل بامداد تا طلوع آفتاب) نیز منجر می‌شود که در حاشیه باقی بمانند. یعنی شغل‌شان در زمانی است که برخورد مستقیمی با مردم ندارند و به همین دلیل کنش متقابل گسترده میان آنان و مردم صورت نمی‌گیرد. کم‌اینکه به خاطر همین زمانبندی دچار اختلالات خواب و دسترسی به خدمات عمومی شوند. از سوی دیگر، هم خود آنان و هم خانواده‌های آنان با پیامدهای داغ‌ننگ درگیر هستند. امری که زندگی روزمره آنان را در ابعاد بسیار زیادی دچار مکث و وقفه‌های غیرضروری می‌کند. وقفه‌هایی که شانس‌های زندگی آنان را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، آنان در ترکیب سرمایه‌ای، در موقعیت فرودست قرار می‌گیرند و معمولاً بدین طریق از غالب میدان‌های اقتصادی و اجتماعی فعال در جامعه دور می‌مانند. این دورماندگی خود درحاشیه‌ماندگی را ایجاد و بازتولید می‌کند و در برداشتی کلی نابرابری بین آنان و بسیاری از سایر اقشار جامعه را پررنگ‌تر کند. از سوی دیگر، قدرت چانه‌زنی آنان به واسطه نوع قراردادهای کاری، سپاه ذخیره کار، شرایط اقتصادی نامساعد جامعه و ... ضعیف است و به همین دلیل آنان معمولاً در فراگردهای گفتمانی اعتراضی و صنفی نیز فاقد قدرت هستند و در این زمینه نیز به‌نوعی در حاشیه اقشار در حاشیه مانده قرار گرفته‌اند. اما آنچه در این میان می‌تواند وضعیت آنان را بهبود بخشد و از سطوح نابرابری بکاهد افزایش توان و قدرت اقتصادی آنان است. به نظر وضعیت شغلی و قراردادی آنان باید بهبود یابد تا بتوانند فاصله خود را از طبقات فرادست کمتر کنند و در میدان‌های اجتماعی موقعیت‌های بهتری را کسب کنند.

سپاسگزاری

از تمامی پاکبانان عزیزی که در طی این پژوهش با ما همکاری کردند کمال سپاسگزاری و تشکر را داریم.

منابع فارسی

- ایمان، م. (۱۳۸۷). ارزیابی پارادایمی انسان به عنوان عنصر اساسی در طراحی پارادایم الهی. *فصلنامه حوزه و دانشگاه روش‌شناسی علوم انسانی*، ۱۴(۵۶): ۲۵-۴۶. https://method.rihu.ac.ir/article_441.html?lang=en
- آهنجان، م.، نصرالهی، م. (۱۳۷۹). بررسی تست توبرکولین در رفتگران شهرداری ساری. *مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران*، ۱۰(۲۷): ۴۳-۴۰. <http://jmums.mazums.ac.ir/article-1-298-fa.html>
- پوررجب، م؛ پناهی درچه، ا، صادقی، ح، باباحمدی میلانی، س. (۱۳۹۹). «عوامل موثر در فرسودگی شغلی معلمان». *مجله پیشرفت های نوین در علوم رفتاری*، ۵(۴۲): ۳۴-۵۵. <https://ijndibs.com/article-1-419-fa.html>
- حسین آبادی، م؛ سعیدی، ع؛ حقیقتیان، م. (۱۳۹۴). درک جامعه‌شناختی گفتگوی اجتماعی در روابط کار سنتی ایران. *نشریه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی*، ۴(۱): ۱۴۹-۱۲۳. <http://journals.sabz.ac.ir/scds/article-1-156-fa.html>

- حلیمی برده‌زردی، ص. (۱۳۹۵). *عوامل درون سازمانی مؤثر بر میزان فرسودگی شغلی (مطالعه موردی: مددکاران اجتماعی شاغل در سازمان بهزیستی شهر تهران)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت خدمات اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.
- دهداری، ط.، فرشاد، ع. (۱۳۹۲). پیشگویی انجام رفتارهای شغلی پیشگیری کننده از عفونت در رفتگران براساس سازه‌های الگوهای اعتقاد بهداشتی. *نشریه سلامت کار ایران*، ۱۰(۴): ۹۵-۸۸. <http://ioh.iums.ac.ir/article-1-579-fa.html>
- ذکایی، م.، اسماعیلی، م. (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی بازاریابی شبکه‌ای در ایران. *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، ۵۶(۲۰): ۸۴-۳۵. <https://sid.ir/paper/462967/fa>
- روحانی، ع.، حاجی حیدری، س. (۱۳۹۷). اقتدار کاریزماتیک مدرن: مردم‌نگاری انتقادی از راهبردهای اقتدارگرایانه/ابزارانگارانۀ سودمحور در شرکت‌های بازاریابی شبکه‌ای. *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران (نامه علوم اجتماعی)*، ۸(۲): ۲۹-۷. <https://doi.org/10.22059/ijar.2019.71596>
- ریتزر، جورج. (۱۳۹۴). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
- زارعی پور، م.، جدگال، م. (۱۴۰۱). مدیریت مراقبت از خود در پاکبانان شهرداری برای پیشگیری از بیماری‌های شایع. *سلامت کار ایران*، ۱۹(۱): ۵۳۴-۵۳۷. <http://ioh.iums.ac.ir/article-1-3421-fa.html>
- زارعی محمودآبادی، علیرضا، روحانی، علی، افشانی، سیدعلیرضا و موسوی، سیدمحسن (۱۴۰۳). مردم‌نگاری انتقادی: یک ارزیابی نظری. *تداوم و تغییر اجتماعی*، ۳(۱): ۲۰۲-۱۸۳. <https://doi.org/10.22034/jssc.2023.19667.1065>
- زنگی آبادی، ع.، مبارکی، ا. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در شهر تبریز و پیامدهای آن، مطالعه موردی (محلات احمدآباد، کوی بهشتی، خلیل‌آباد). *مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، ۲۳(۱): ۸۰-۶۷. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20085362.1391.23.1.5.3>
- ساعتچی، م. (۱۳۸۷). *بهداشت روانی در محیط کار (با تأکید بر فشار روانی و فرسودگی شغلی)*. تهران: نشر ویرایش، چاپ چهارم.
- ساعتچی، محمود. (۱۳۹۳). *روانشناسی بهره‌وری راهبردی: آسیب‌شناسی و مدیریت راهبردی عوامل و موانع انسانی بهره‌وری شغلی کارکنان و سازمان*. تهران: نشر ویرایش، ویراست سوم.
- سجادی، س. (۱۳۹۲). چالش‌های بهداشتی نیروی انسانی در مدیریت مواد زاید جامد شهری. *مجله پژوهش و سلامت*، ۳(۴): ۴۸۷-۴۸۸. <https://www.sid.ir/paper/214498/fa>
- عراقی، ع. (۱۳۷۱). تغییر کارفرما و آثار آن در رابطه کارگری و کارفرمایی. *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۲۸(۰): ۲۶-۳. https://journals.ut.ac.ir/article_15113.html
- فولادیان، ع.، ولی‌خانی، ر.، شهریار، ن.، احدی، ع. (۱۳۹۰). *بررسی شیوع بیماری سل در بین رفتگران شهر بندرگز در سال ۱۳۸۸-۱۳۸۹*. چهاردهمین همایش ملی بهداشت محیط، یزد.
- گافمن اروینگ. (۱۳۹۱). *نمود خود در زندگی روزمره*، ترجمه مسعود کیان پور، تهران: نشر مرکز.
- محمدرپور، ا. (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی ضد روش*. تهران: نشر جامعه‌شناسان، چاپ دوم.
- مسافری، م.، حسینی، ف.، عزیزاده، ش.، رضایی، م. (۱۳۹۵). *راهکارهای ارتقاء ایمنی و حفظ سلامت پاکبانان شهرداری*. هشتمین اجلاس آسیایی جامعه ایمن و اولین اجلاس منطقه‌ای جامعه ایمن مشهد.
- میرسپاسی، ن. (۱۳۶۸). چگونگی تنظیم روابط کارگر و کارفرما در صنایع. *آینده پژوهی مدیریت*، ۱(۱): ۹۷-۸۶. <https://sanad.iau.ir/Journal/jmfr/Article/786662>
- نقاب، م.، خدایرست کازرونی، ف.، حسن‌زاده، ج.، احمدزاده، ف. (۱۳۹۲). *ارزیابی سلامت تنفسی پاکبانان شهرداری متعاقب مواجهه شغلی با آلاینده‌های محیط کار*. همایش سراسری بهداشت و ایمنی کار.
- نوابخش، م.، کریمی، ف. (۱۳۸۸). واکاوی مفهوم قدرت در نظریات میشل فوکو. *مجله مطالعات سیاسی*، ۱(۳): ۶۴-۴۹. <https://sid.ir/paper/161449/fa>
- نوروزی، ی. (۱۳۹۴). *عوامل مؤثر بر فرسودگی شغلی و میزان آن در کارکنان اداره کل گمرک جمهوری اسلامی ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت دولتی، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده مدیریت و حسابداری.
- وقاری‌مقدم، م.، نازی نژاد، م.، غلامی، ع.، قدری، ع. (۱۳۹۵). *ارزیابی ارگونومیک وضعیت‌های انجام کار در رفتگران شهرداری بیرجند به روش ارزیابی سریع تمام بدن*. همایش دو سالانه ارگونومی ایران.

References

- Abeysuriya, K.; Willetts, J.; Carrard, N. and Kome, A. (2019). City sanitation planning through a political economy lens. *Water Alternatives*, 12(3): 907-929. <https://www.water-alternatives.org/index.php/alldoc/articles/vol12/v12issue3/548-a12-3-4/file>
- Ahmadi, H., Hashemi, S., & Ruhani, A. (2010). A Study of the Relationship between Modern Communication Technologies and Gender Identity of Students A Case Study of High School Students of Shiraz. *Quarterly Journal of Woman and Society*, 1(4), 20-33. [In Persian]. <https://dori.net/dor/20.1001.1.20088566.1389.1.4.3.3>
- Carspecken, P. (1996). *Critical Ethnography In Educational Research: A Theoretical And Practical Guide*. New York: Routledge. <https://www.amazon.com/Critical-Ethnography-Educational-Research-Theoretical/dp/0415904935>
- French, J. R. P., Caplan, R. D. (1972). Organization stress and strain. In A. J. Marrow (Ed.), *The failure of success*, 30-66. New York: Amacom. <https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=683200>
- Gebremedhn MG, Raman PV. (2020). Socio economic and health status of street sweepers of Mekelle city, *Ethiopia Waste Management*, 103(5):251-9. <https://doi.org/10.1016/j.wasman.2019.12.024>
- Hassanpour, T., Mehrabi, S., Poursamad, A., ZandiGhashghaie, K., & Sharifi, M. (2021). Social Support and Social Health. *Iranian Journal of War and Public Health*, 13(3), 189-193. <http://ijwph.ir/article-1-983-en.html>
- Hosseini Fathabadi, H., Ruhani, A., & Naderi Nobandegani, Z. (2022). The Social Construction of Self-harm in the Changing Context of Educational System: A Qualitative Study of Female Students in the City of Yazd, Iran. *Journal of Social Continuity and Change (JSCC)*, 1(2), 311-330. [In Persian]. <https://doi.org/10.22034/jssc.2022.2712>
- Iman, M & Ruhani, A. (2013). Islamic Identity and Competitive Identities (Global, National and Ethnic Identity); A Case Study of Shiraz University Students. *Journal of Iranian Cultural Research*, 6(1), 127-148. [In Persian]. <https://doi.org/10.7508/ijcr.2013.21.006>
- Johnson, O., & John, U. (2020). Occupational hazards and health problems among street sweepers in Uyo, Nigeria. *Ibom Medical Journal*. 12(2), 90-100. <https://ibommedicaljournal.org/index.php/imjhome/article/download/191/381?inline=1>
- Khajenoori, B., Ruhani, A. and Hashemi, S. (2012). Tendency towards Veil and Different Lifestyles Case Study: Shiraz Women. *Journal of Applied Sociology*, 23(3), 141-166. [In Persian]. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20085745.1391.23.3.7.4>
- Lissah, S. Y., Ayanore, M. A., Krugu, J. K., Aberese-Ako, M., & Ruiter, R. A. (2022). "Our Work, Our Health, No One's Concern": Domestic Waste Collectors' Perceptions of Occupational Safety and Self-Reported Health Issues in an Urban Town in Ghana. *International journal of environmental research and public health*, 19(11), 6539. <https://doi.org/10.3390/ijerph19116539>
- Maslach, C., Jackson, S. E. (1981). The measurement of the experienced burnout. *Journal of Occupational Behavior*, 2(2), 99-113. <https://doi.org/10.1002/job.4030020205>
- Moradi, S., Salmanzadeh, Z. and Ruhani, A. (2025). Reflexivity in Social Sciences: A Review Article. *Journal of Social Continuity and Change (JSCC)*, 4(1)159-176. [In Persian]. <https://doi.org/10.22034/jssc.2024.20878.1094>
- Moradi, S., Ruhani, A. and Afshani, S. A. (2024). Social Self-control among Junior University Students in Transition to Youth: A Contextual Theory. *Journal of Social Continuity and Change (JSCC)*, 2(2), 267-285. [In Persian]. <https://doi.org/10.22034/jssc.2024.19711.1066>
- Mostafa, N. S., Abdel-Hamid, M. A., & AlBagoury, L. S. (2015). Work-related respiratory disorders among street sweepers in Cairo, Egypt, a comparative study, *Egyptian Journal of Community Medicine*, 33(2), 85-97. <https://doi.org/10.21608/ejcm.2015.711>
- Pintakham, K., and Siriwong, W. (2016). Prevalence and Risk Factors Associated with Musculoskeletal Discomfort among Street Sweepers in Chiang Rai Province, Thailand, *Journal of Health Research*, 30(3): 207-213. <https://he01.tci-thaijo.org/index.php/jhealthres/article/view/77941>
- Priyanka, V. P., and Kamble, R. K. (2017). Occupational health hazards in street sweepers of Chandrapur city, central India, *International Journal of Environment*, 6(2): 9-18. <https://www.nepjol.info/index.php/IJE/article/view/17358>
- Ruhani, A, Keshavarzi, S, Kızık, B, Çakal, H (2023). Formation of hatred emotions toward Afghan refugees in Iran: A grounded theory study, *Peace and Conflict: Journal of Peace Psychology*, 29(4), 355-364. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/pac0000685>
- Sabde, Y. D., and Zodpey, S. P. (2008). A study of morbidity pattern in street sweepers: a cross-sectional study, *Indian Journal of Community Medicine: Official Publication of Indian Association of Preventive and Social Medicine*, 33(4), 224-228. <https://doi.org/10.4103/0970-0218.43226>

- Shams Gahfarokhi, F., Askari-Nodoushan, A., Eini-Zeinab, H., Ruhani, A. & Abbasi-Shavazi, M. J. (2022). At the Crossroad of Decision to Have Children: An Analysis of Individual and Social Childbearing Challenges in the Context of Low Fertility in Isfahan. *Journal of Applied Sociology*, 33(4), 1-28. [In Persian]. <https://doi.org/10.22108/jas.2022.132711.2269>
- Shams Gahfarokhi, F., Askari-Nodoushan, A., Eini-Zeinab, H., & Ruhani, A. (2023). The application of Q-methodology for identifying the mental patterns of the people of Isfahan city about childbearing. *Social Problems of Iran*. 14(1), 211-235. [In Persian]. <https://doi.org/10.61186/jspi.14.1.211>
- Zarei Mahmoudabadi, A., Ruhani, A., Afshani, S., & Mousavi, S. (2024). Critical Ethnography: A Theoretical Assessment. *Journal of Social Continuity and Change (JSCC)*, 3(1), 183-202. [In Persian]. <https://doi.org/10.22034/jsc.2023.19667.1065>



Occupational Risks in the Critical Narratives of Street Sweepers at City of Yazd

Ali Ruhani^{1*}  | Shakila Moradi² , | Hanieh Khani Sanich³ , | Bahar Amini Lari⁴  |
Saba Samadian Sarbisheh⁵ 

1. Corresponding Author*, Ali Ruhani, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of yazd, Yazd, Iran. Email: Aliruhani@yazd.ac.ir
2. Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of yazd, Yazd, Iran. Email: shakila929moradi@gmail.com
3. Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of yazd, Yazd, Iran. Email: khani.haniye1376@gmail.com
4. Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of yazd, Yazd, Iran. Email: bahar.a.org@gmail.com
5. Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of yazd, Yazd, Iran. Email: sabasamadian.h@gmail.com

ARTICLE INFO

Article type:

Research Paper

Article History:

Received: 28 January 2025

Accepted: 30 August 2025

Published: 8 December 2025

Keywords:

Occupational risk-taking, street sweepers, critical ethnography, Yazd.

ABSTRACT

Introduction: One of the fundamental and essential needs is the need for cleanliness. The need for cleanliness and tidiness is important and a priority both at the individual and social levels. It seems that maintaining cleanliness is one of the concerns in most societies and a desirable value in many cultures. In order to maintain cleanliness and tidiness in social living environments and contexts, cleaners are responsible for maintaining the cleanliness of the urban environment today. Despite the importance of this responsibility, urban cleaners face various issues and challenges in their careers. For this purpose, the present study seeks to examine their occupational hazards from a critical perspective and to portray the problems and complexities of their lives, which are caused by their low status among other jobs.

Methodology: This study was conducted using the critical ethnography method using the Carspecken method

Results: After conducting initial studies based on an etic approach, field surveys, participatory observations, and accompaniment with them, twenty respected street sweepers were selected at Yazd different areas and interviewed (emic approach). The collected data were then coded and the main categories, which include occupational/social status, economic deprivation and working conditions, labor relations, and occupational risk-taking, were extracted.

Conclusions: The results of this study showed that the increasing occupational risk-taking not only in the workplace but also in the personal lives of sweepers has significant effects and make sweepers living conditions problematic. The results of this study showed that the increasing occupational risk-taking not only in the workplace but also in the personal lives of sweepers has significant effects and make sweepers living conditions problematic.

Cite this article: Ruhani, A., Moradi, S., Khani Sanich, H., Amini Lari, B., Samadian Sarbisheh, S. (2024). Occupational Risks in the Critical Narratives of Street Sweepers at City of Yazd. *Journal of Economic & Developmental Sociology*, 14 (2), 105-124



© The Author(s). Publisher: University of Tabriz Press.



[10.22034/jeds.2025.65673.1846](https://doi.org/10.22034/jeds.2025.65673.1846)